



Examining the Civil Responsibility of the Mojmal Objects in Iranian Jurisprudence and Law and Explaining the Ways out of It

Abolfazl Valikhani¹, Alireza Mazloun Rahani^{2*}, Seyyed Mahdi Allameh³

1. PhD Student in the Department of Private Law, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Private Law, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Private Law, khorasan Branch, Islamic Azad University, Isfhan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 253-268

Article history:

Received: 1 Sep 2023

Edition: 17 Nov 2023

Accepted: 11 Jan 2024

Published online: 1 May 2024

Keywords:

civil liability, common cause, damage, judge's decision, lottery rule.

Corresponding Author:

Alireza Mazloun Rahani

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Shahr-e-Qods Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

Tel:

09121896404

Email:

Dr.mazloom14@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aims: General means and methods of determining compensation is one of the controversial issues. The purpose of this article is to examine the civil liability of the objects of Mojmal in Iran's jurisprudence and law and to explain the ways out of it.

Materials and Methods: This article is theoretical, descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: When the cause is general, there is no doubt or dispute regarding the fact that there is responsibility and the damage of the accident must be compensated. But there is a dispute regarding the compensation method. The solution of the judge's discretion in requiring each of the surrounding assets to compensate for damages, although it is compatible with Shari'a beliefs, but it is not a suitable and ideal solution as it causes confusion and disorder and chaos. The lottery rule is not very fair. This point of view caused the legislator to remove the lottery rule in the 1392 Islamic Penal Code.

Conclusion: Regarding the solution of paying damages from Baitul Mal, considering that the legislator has mentioned this solution in many cases, but it seems that the solution that is more compatible with legal principles and rules by considering reason, fairness and justice is among the proposed solutions. Sharing the responsibility equally among all means of luxury and paying damages on behalf of all means of luxury.

Cite this article as:

Valikhani A, Mazloun Rahani A, Allameh SM. Examining the Civil Responsibility of the Mojmal Objects in Iranian Jurisprudence and Law and Explaining the Ways out of It.. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



بررسی مسئولیت مدنی اسباب مجمل در فقه و حقوق ایران و بیان راهکارهای برون‌رفت از آن

ابوالفضل ولیخانی^۱، علیرضا مظلوم رهنی^{۲*}، سیدمهدی علامه^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اسباب مجمل و روش‌های تعیین جبران خسارت یکی از موضوعات محل اختلاف است. هدف مقاله حاضر بررسی مسئولیت مدنی اسباب مجمل در فقه و حقوق ایران و بیان راهکارهای برون‌رفت از آن است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر نظری و توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: زمانی که سبب مجمل است در خصوص اینکه مسئولیت وجود دارد و ضرر حادثه باید جبران شود هیچ شک و اختلافی نیست؛ اما موضوع اختلاف در خصوص نحوه جبران خسارت حادث می‌شود. راهکار تخییر قاضی در الزام هر یک از اطراف اسباب مجمل به جبران خسارت هرچند با اعتقادات شرعی سازگار است؛ اما از این جهت که موجب تشنگ آرا و بی‌نظمی و هرج‌ومرج می‌شود راهکار مناسب و ایدئالی نمی‌باشد. قاعده قرعه هم چندان عادلانه نیست. همین دیدگاه باعث گردید که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ضابطه قرعه را حذف کرد.

نتیجه: در خصوص راهکار پرداخت خسارت از بیت‌المال با توجه به اینکه قانون‌گذار در مواردی در مواد متعدد به این راهکار اشاره نموده است؛ اما به نظر می‌رسد راهکاری که با لحاظ نمودن عقل و انصاف و عدالت با اصول و قواعد حقوقی سازگارتر است در میان راهکارهای مطرح‌شده تقسیم مسئولیت به صورت مساوی در بین تمام اسباب مجمل است و پرداخت خسارت از جانب همه اسباب مجمل است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۵۳-۲۶۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

واژگان کلیدی:

مسئولیت مدنی، سبب مجمل، خسارت، تخییر قاضی، قاعده قرعه.

نویسنده مسئول:

علیرضا مظلوم رهنی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق.

کد ارکید:

تلفن:

۰۹۱۲۱۸۹۶۴۰۴

پست الکترونیک:

Dr.mazloom14@yahoo.com

۱. مقدمه

به بار آید، بدون آنکه عامل زیان تفصیلاً معین باشد. به عبارت دیگر علم اجمالی به ایجاد ضرر توسط یکی از چند سبب مشخص و محصور وجود دارد، بدون اینکه سبب واقعی ضرر از بین آن‌ها قابل تعیین باشد تا زیان دیده بتواند به طور قاطع مسئول را معرفی کند. در خصوص تعدد اسباب پژوهش‌های متعددی انجام شده است. علی روانان، سید مهدی میرداداشی کاری، محمد صادقی و ابراهیم دلشاد معارف (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای، مسئولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی در حقوق ایران و انگلستان را بررسی کرده‌اند. سام محمدی و محسن جعفری بهزاد کلائی (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای، نقش تعدد اسباب در تحقق مسئولیت ضمیمه‌ای را مورد بررسی قرار داده‌اند. عبدالحسین رضائی‌راد، معصومه سیاحی و خسرو نشان (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای، به بررسی فقهی و حقوقی راهکارهای تعیین ضامن در تداخل عرضی اسباب پرداخته‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که در این مقاله، مسئولیت مدنی اسباب مجمل بررسی می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که فقه و حقوق ایران چه رویکردی نسبت به مسئولیت مدنی اسباب مجمل داشته و راهکارهای برون‌رفت از آن چیست؟ در ادامه، پاسخ به سؤال مورد اشاره بررسی شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر نظری و توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

در اصطلاح حقوق دانان هرگاه دو یا چند نفر موجب ورود خسارتی به دیگری شوند، به آنکه بین عمل او و خسارت حاصله واسطه‌ای نیست، مباشر گویند و دیگری (دیگران) که بین او و خسارت حاصله، عمل مباشر، واسطه شده است سبب نامیده می‌شود. سبب عاملی است که هم در ایجاد حادثه زیان‌بار دخالت دارد و هم شرط ضروری آن است؛ مگر اینکه اهمیت دخالت آن در ایجاد حادثه چندان قوی و مهم باشد که بتوان گفت به‌تنهایی و قطع نظر از سایر عوامل، ضرر را ایجاد کرده است. فقه سبب چیزی است که اگر وجود نداشته باشد، تلف حاصل نخواهد شد؛ اما علت تلف چیز دیگری است. از این تعریف به‌خوبی روشن می‌شود هرچند که وجود سبب در اثرگذاری علت دخالت دارد؛ اما وجود سبب به‌تنهایی به‌معنی تحقق حادثه نیست بلکه نیاز به علت دیگری است که با سبب متفاوت است (شرط لازم هست لیکن شرط کافی نیست). در کل سبب سبب هر چیزی است که هنگام وجود آمدن، تلف به واسطه علت دیگری به وجود می‌آید، به طوری که اگر آن سبب نبود علت تأثیری نداشت. در کل سبب امری است که زمینه تأثیر علت را فراهم می‌آورد و مستقیماً و فی‌نفسه، موجب جنایت یا خسارت نمی‌گردد. بلکه مقدمات و موجبات تلف کردن را مهیا می‌سازد. یعنی کاری انجام می‌دهد که در نتیجه آن کار یا به‌دلیل دیگر تلف واقع می‌شود. در واقع فقها به دو امر توجه داشته‌اند، اولاً به جداسازی سبب از مباشر و ثانیاً به سبب موجب ضمان و سبب بدون تأثیر در مسئولیت. یکی از موضوعات مهم بحث مسئولیت مدنی در سبب مجمل است. توضیح این‌که ممکن است دو یا چند نفر به عملی اقدام کنند که از فعل یکی از آن‌ها زبانی

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

زمانی که سبب، مجمل است در خصوص اینکه مسئولیت وجود دارد و ضرر حادثه باید جبران شود هیچ شک و اختلافی نیست؛ اما موضوع اختلاف در خصوص نحوه جبران خسارت حادث می‌شود. راهکار تخییر قاضی در الزام هر یک از اطراف اسباب مجمل به جبران خسارت هرچند با اعتقادات شرعی سازگار است؛ اما از این جهت که موجب تشتت آرا و بی‌نظمی و هرج و مرج می‌شود راهکار مناسب و ایدئالی نمی‌باشد. قاعده قرعه هم چندان عادلانه نیست. همین دیدگاه باعث گردید که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ضابطه قرعه را حذف کرد.

۵. بحث

۵-۱. تعیین مسئول پرداخت زیان ناشی از سبب مجمل

روش‌های تعیین مسئول پرداخت زیان ناشی از سبب مجمل عبارت است از:

۵-۱-۱. تخییر قاضی

قاعده بر این است که هرگاه برای بیان حکم شرعی دلیل اجتهادی در دست نباشد، راهکار، تمسک به اصول عملیه است. به همین دلیل گفته شده: «الاصل دلیل حیث لا دلیل له». بنابراین می‌توان گفت هرگاه امری دارای سابقه متیقن و معلوم باشد مجرای اصل استصحاب است و «هرگاه موضوع دارای سابقه معلوم

و معین نباشد مجرای اصول دیگر است؛ با این توضیح که اگر در اصل الزام و تکلیف تردید باشد، براثت جاری می‌شود؛ اما اگر اصل الزام و تکلیف معلوم و مکلف به بین وجوب و حرمت مردد باشد و عمل به هر دو تکلیف هم ممکن باشد در این حالت مجرای اصل احتیاط است. بنابراین باید تمام اطراف علم اجمالی را انجام داد تا یقین شود که به تکلیف شارع عمل شده است و حالت دیگر اینکه تکلیف بین دو محذور (وجوب و حرمت) قرار گرفته باشد و عمل به هر دو ممکن نباشد که اصولیون از این امر به دوران امر بین محذورین تعبیر کرده‌اند و به دلیل عدم امکان عمل به هر دو، مکلف را در انجام یکی از آن‌ها مخیر ساخته‌اند» (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱-۴، ۳۶۶).

«در مسئله مورد بررسی سابقه‌ای از مظنونان به مسئولیت وجود ندارد یا اگر هم باشد فرض این است که تأثیری در ضمان کنونی آن‌ها ندارد. علاوه بر این با توجه به اینکه نسبت به ورود ضرر، قطع و نسبت به عامل آن علم اجمالی وجود دارد. لذا نسبت به لزوم جبران زیان شک و تردیدی نیست و از جهت دیگر نمی‌توان از همه مظنونان خسارت گرفت؛ زیرا فرض این است که یکی از افراد سبب خسارت شده و دریافت خسارت از بقیه مصداق استیفای ناروا و اکل مال به باطل است. بنابراین مسئله از مصادیق تردید میان دو یا چند حکم غیر قابل جمع تلقی می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ج ۱، ۴۳۹). در چنین وضعیتی برخی معتقدند که: «امر بین لزوم جبران خسارت توسط مسئول واقعی و ممنوع بودن دریافت خسارت از دیگران در دوران است و موضوع را از مصادیق دوران امر بین محذورین و محل جریان اصل تخییر می‌دانند؛ اما باید گفت اعمال تخییر و دادن

اقدام به فصل خصومت می‌کند، راهی که به اجرای عدالت نزدیک‌تر می‌نماید.

۵-۱-۲. انتخاب مسئول از طریق قرعه

نظریه دیگری که درباره سبب مجمل مطرح شده و با حقوق اسلامی هم سازگار است نظریه قرعه است. «این قاعده از قواعد مهم فقهی و حقوقی است که در وضع قوانین و مجتهدان در استنباط احکام فقهی و قضات در مقام دادرسی بسیار به آن عمل می‌کنند بر این اساس، قاضی به‌ناچار و برای جبران خسارت زبان‌دیده که به‌طور قطع و بر مبنای علم اجمالی لازم است انجام گیرد، باید یک نفر را به حکم قرعه ملزم به جبران خسارت نماید. قاعده قرعه یک قاعده عام است که اختصاص به مواردی که در روایات و اخبار آمده ندارد و در مسائلی مانند مسئله مورد بحث نیز قابل اعمال است. به عبارت دیگر در مواردی که حقوق و مصالح افراد باهم مساوی‌اند و بیم آن می‌رود که بین آن‌ها اختلاف شود قرعه تشریح شده است» (محمدی، ۱۳۹۰، ۹۵).

«برخی از فقهای معاصر، در موردی که دو نفر جرحی به شخصی وارد می‌کنند و جرح یکی از آن دو، به قتل معینی منجر می‌شود و معلوم نیست جرح از طرف کدام یک بوده است قائل به قرعه شده‌اند» (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵، ۱۵۶). «برخی دیگر نیز در پاسخ به این پرسش که اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است، چه باید کرد؟ بیان کرده‌اند با گفته یک نفر قاتل بودن ثابت نمی‌شود و در صورت علم اجمالی به قاتل بودن یکی از آن دو نفر معین، اگر حجت شرعی بر قاتل بودن یکی قائم نشود و نوبت به دیه برسد،

اختیار به قاضی که بتواند درباره تمام افراد به عدم ضمان حکم دهد یا همه آن‌ها را ضامن بداند یا برخی را به جبران خسارت زبان‌دیده ملزم و برخی دیگر را تبرئه کند، نتیجه‌ای است که عقل سلیم آن را نمی‌پذیرد» (صفری، ۱۳۷۹، ۶۷). «زیرا دو علم اجمالی وجود دارد: علم اجمالی به لزوم جبران خسارت توسط یکی از اسباب و علم اجمالی به تبرئه دیگر اسباب که لازم نیست دو علم اجمالی مذکور به‌طور قطعی رعایت شود. توضیح بیشتر اینکه طرفداران این نظریه معتقدند از آن جهت که موافقت قطعی (دریافت خسارت از همه) و مخالفت قطعی (عدم دریافت خسارت) ممکن نیست و علاوه بر این ضمیمه کردن چند عمل به یکدیگر از لحاظ حکم ضمان دلیل معتبری ندارد، لذا باید هر یک از آن‌ها را به صورت مستقل لحاظ نمود» (موسوی الخویی، ۱۳۱۴، ج ۲، ۳۷۱-۳۷۰)؛ «به این صورت که با ضامن دانستن یکی از اسباب مذکور و تبرئه سایرین، زمینه عدم مخالفت قطعی و موافقت احتمالی با علم اجمالی را فراهم ساخت. بنابراین هرچند نمی‌توان موافقت قطعی با علم اجمالی داشت، حداقل موافقت احتمالی به دست می‌آید. این نظریه مبتنی بر آن است که باید قائل به حرمت مخالفت قطعی و عدم وجوب موافقت قطعی بوده و موافقت احتمالی را کافی دانست» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ۴۶۱).

باید گفت با این راه نیز به حکم روشن و قاطعی نمی‌توان دست یافت و باید راه‌های مناسب‌تری را برای حل مسئله جست‌وجو کرد. به‌طور مثال قاضی می‌تواند با توزیع خسارت میان همه اسباب مجمل

باشد، بی‌آنکه عامل مستقیم خسارت و مسئول واقعی معلوم باشد. بنابراین برای مثال در فرض شکار گروهی، هرگاه برخی از شکارچیان صرفاً مقصر و بعضی بی‌تقصیر باشند، فقط شکارچیان مقصر اطراف علم اجمالی هستند و مسئول از میان آنان با قید قرعه تعیین می‌شود و هرگاه هیچ کدام مقصر نباشند اگر عمل آن‌ها ائتلاف محسوب شود که ظاهراً هم چنین است همه آنان اطراف علم اجمالی هستند و قاعده قرعه برای تعیین مسئول بین آنان اعمال می‌گردد» (صفایی، ۱۳۸۸، ۴۳).

«سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که همان‌گونه که صدور حکم بر اساس قرعه مسئول زیان را سریع تعیین می‌کند عدالت را هم تأمین خواهد کرد؟ آیا می‌توان گفت کسی که قرعه به نام او زده شده، مسئول واقعی زیان است؟ به نظر می‌رسد چنین تضمینی وجود ندارد. به همین دلیل است که برخی از حقوق‌دانان معاصر انجام قرعه در تعیین سبب مسئول بین اسباب مجمل را رد کرده و گفته‌اند تمسک به قرعه در عمل، ممکن است به نتایج ناعادلانه و غیر منطقی منجر شود» (صفری، ۱۳۷۹، ۷۳؛ گرجی، ۱۳۸۰ - ۱۳۷۹، ۴۳). «برخی از فقها هم آن را قاعده‌ای سست و متزلزل می‌دانند. از آنجا که همواره این احتمال وجود دارد که اجرای قرعه موجب بی‌عدالتی شود و با توجه به اینکه در حجیت اعمال این قاعده اختلاف نظر وجود دارد و اعمال این قاعده مساوی با عدم توجه به خطر ایجادشده و دخالت اسباب در ورود خسارت و هم‌چنین ضعف دادگاه‌ها در کشف حقیقت است، از این رو کمتر مورد توجه قرار گرفته است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۳۷۰). «بنابراین تا وقتی که روش‌های دیگر با مبانی حقوقی

دیه را با قید قرعه از یکی می‌توان گرفت» (کریمی، ۱۳۶۵، ج ۱، ۱۶۵).

«در حقوق نیز قرعه پذیرفته شده است. شاهد این ادعا، مواد متعددی است که در قوانین موضوعه در خصوص کاربرد این قاعده آمده است. برای مثال می‌توان به مواد ۵۹۸ و ۵۹۹ قانون مدنی و مواد ۳۱۹ و ۳۲۰ قانون امور حبسی اشاره نمود و از همه مهم‌تر در ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰) که مشابه بحث ما می‌باشد، نیز قرعه برای تعیین مسئول پرداخت دیه پیش‌بینی شده بود. در واقع می‌توان گفت یکی از دلایل اصلی که حقوق‌دانان معتقد به قاعده قرعه در خصوص راه‌حل انتخاب مسئول در مسئله مورد بحث، بدان استناد کرده‌اند همین ماده بوده است. در این ماده که مبنای فقهی دارد تعیین مسئول پرداخت دیه، از طریق قرعه، در فرضی که علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از دو نفر معین وجود داشته باشد، پذیرفته شده است که از مصادیق سبب مجمل و کاربرد قرعه برای تعیین شخص مسئول است و چون خصوصیتی در قتل به‌عنوان علت پرداخت دیه نیست می‌توان آن را به موارد دیگر سبب مجمل گسترش داد. این نظر مورد تأیید برخی از حقوق‌دانان واقع شده است. این حقوق‌دانان با گرفتن وحدت ملاک این ماده که در خصوص نوعی مسئولیت مدنی (دیه) می‌باشد، به نتیجه مورد نظر خود دست می‌یابند» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ۱۸۰؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۵، ۹۳).

«ذکر این نکته لازم است که اعمال قرعه برای تعیین مسئول در میان افرادی است که اطراف علم اجمالی می‌باشند. به عبارت دیگر قرعه در بین اشخاصی زده می‌شود که احتمال مسئولیت هر یک وجود داشته

بیت‌المال می‌دانست. حکم مقرر در ماده ۴۸۷، برخلاف حکم ماده ۲۵۵ عام بوده و در هر صورت اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا شخص بر اثر ازدحام کشته شود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ۲۶۴).

«علاوه بر ماده ۴۸۷، در مواد ۴۸۴، ۳۳۴، ۳۳۳، همین قانون و ماده ۱۰۰ قانون بیمه اجباری، بیت‌المال را مسئول پرداخت دیه قتل و جراحات دانسته است. مهم‌تر از مواد فوق، ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی که مصداق بارز مسئله مورد بررسی است، در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین و نبودن لوث برای ولی دم حق مطالبه سوگند از متهمان را قائل شده که در صورت سوگند یاد کردن همه آنها، دیه در حالت قتل از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در توجیه این نظر ممکن است گفته شود با تنقیح مناط از این موارد و امثال آن، می‌توان گفت خسارت مورد بررسی نیز که ناشی از یکی از چند سبب مجمل است از این طریق جبران شود» (کلانتری خلیل و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۱۶).

ادله مسئولیت بیت‌المال به شرح ذیل است.

الف) «قصور حکومت در ایجاد نظم: نوعی قصور از ناحیه حکومت در این‌گونه موارد وجود دارد؛ زیرا وظیفه حکومت برقراری و حفظ نظم در جامعه و نیز پیدا کردن عامل ورود خسارات است. حال اگر دولت با انجام ندادن این تکلیف سبب ورود خساراتی به شهروندان شود، حکومت موظف به جبران است» (عابدی، ۱۳۹۲، ۲۲).

ب) «مطابق قاعده من له الغنم فعلیه الغرم: یعنی هر کس نفعی برای اوست خسارت هم بر عهده اوست.

مناسب در دسترس هستند و بر اساس شرایط خاص هر مورد تا حد زیادی عدالت را برقراری کند نوبت به قرعه نمی‌رسد. هرچند که استفاده از قرعه در آرای قضایی نیز دیده می‌شود و رویه قضایی از آن استفاده نموده است» (بازگیر، ۱۳۸۱، ۸۷). علاوه بر موارد فوق لازم است یادآوری شود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ضابطه قرعه را به‌طور کلی کنار گذاشته و رویکردی جدید در پرداخت خسارت اتخاذ کرده است که در ادامه بیان خواهند شد.

۵-۱-۳. پرداخت از بیت‌المال

«پرداخت خسارت از بودجه عمومی یا بیت‌المال از دیگر راه‌هایی قابل پیش‌بینی برای حل مسئله یاد شده است که برخی ادله آن را قوت می‌بخشد و در موارد متعددی در حقوق اسلامی پیش‌بینی شده است. برای مثال، چنانچه جسد شخصی در شارع عام پیدا شود و هیچ‌گونه دلیل قطعی یا ظنی بر انتساب قتل به شخص یا اشخاص در دست نباشد و یا در مورد کسی که در اثر ازدحام به قتل برسد و قرائن ظنی بر انتساب قتل او به شخص یا جماعتی نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت

می‌شود» (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۵۲۸). در این زمینه می‌توان از ملاک ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که جانشین ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق شده است نیز استفاده کرد. در ماده ۲۵۵ بیان شده بود: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود و یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد». «در این مورد اداره حقوقی قوه قضائیه مصادیق مذکور در این ماده (کشته شدن در اثر ازدحام یا پیدا شدن مقتول در شارع عام) را تنها دو مصداق از مصادیق مختلف پرداخت دیه از

ثابت است که از مالش پرداخته می‌شود؛ پس اگر مالی نداشته باشد، دیه را امام پرداخته و حق مسلمان پایمال نمی‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ۳۶۵). «البته در خصوص جنایت نابینا، روایت صحیح‌های از طریق حلی وارد شده که در ذیل آن آمده است: «جنایت نابینا خطاست. عاقله باید دیه را طی سه سال و در هر سال بخشی از آن را بپردازد و اگر نابینا عاقله نداشته باشد از مال خودش دیه گرفته می‌شود» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ۲۳۳).

«جمع معتبره ابی عبیده و صحیح‌ه حلی این‌گونه خواهد بود که هرگاه نابینا عاقله داشته باشد، عاقله باید دیه جنایات خطا را بپردازد و در صورت فقدان عاقله، شخص نابینا از اموال خود دیه جنایات را می‌پردازد ولی اگر مالی نداشته باشد امام از بیت‌المال دیه را پرداخت خواهد کرد» (موسوی الخویی، ۱۴۲۵، ج ۱، ۸۲).

«در روایت دیگری که سند آن را به حضرت علی (ع) رسانده‌اند تصریح شده است که حضرت، دیه شخص را که در اثر آشوب و ناآرامی به قتل رسیده بود از بیت‌المال پرداخت کردند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ۳۶۴).

«اما با این وجود این نظر نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. برخی از فقها معتقدند حتی در موارد مصرح نیز پرداخت دیه همیشه از بیت‌المال صورت نمی‌گیرد و پرداخت دیه از بیت‌المال را مختص موردی می‌دانند که امکان پرداخت دیه از هیچ طریق دیگری فراهم نباشد. این دسته از فقها اصل را به عدم مسئولیت بیت‌المال می‌دانند و در تأیید نظر خود به روایتی استناد می‌کنند که به موجب آن امام (ع) دیه شخص غریق در آب را در فرضی که محتمل بود یکی

توضیح بیشتر اینکه؛ طبق قاعده الاسم وارث من لا وارث له و قسمت اخیر ماده ۴۵۱ و ماده ۵۵۳ قانون مجازات اسلامی که بر اساس آن حاکم و بیت‌المال وارث کسی است که وارثی ندارد. می‌توان گفت در مواردی که سبب جنایت و قتل مجمل است به دلیل عدم شناسایی مسئول، بیت‌المال مسئول جبران خسارت می‌شود» (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲، ۲۶۹).

ج) «با این شیوه در واقع به صورت غیر مستقیم شهروندان مسئول جبران خسارت محسوب می‌شوند به این صورت که مجنی علیه، قربانی جامعه جرم‌زا است و تمامی شهروندان مسئول انحرافات موجود در جامعه‌ای هستند که در آن زندگی می‌کنند» (جعفری یزدیان، ۱۳۸۵، ۱۳۵).

«علاوه بر مواردی که بیان شد، می‌توان وضع جبران خسارت از بیت‌المال را مبتنی بر قاعده ضرر و به منظور تضمین حق زیان‌دیده دانست؛ زیرا اضرار دیگران و حتی خود نارواست پس باید در درجه نخست ریشه ضرر از بین برود و تا جایی که امکان دارد وضع زیان‌دیده به صورت پیشین خود برگردانده شود، حال اگر زیان‌دیده با حجر یا اعسار فاعل زیان روبه‌رو شود می‌توان از ابزارهای کمکی استفاده کرد که تمهیداتی را اندیشیده است که در پاره‌ای از موارد عاقله یا دولت مستند به ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی باید زیان‌ها را جبران کند» (عابدی، ۱۳۹۲، ۲۴-۲۳).

د) روایات: «در روایات معتبر ابی عبیده آمده است: از امام باقر (ع) از حکم نابینایی که چشم انسان بینایی را کور کرده بود پرسیده شد. امام فرمودند عمد شخص نابینا مانند خطاست در جنایات نابینا دیه

یا اشخاص معین به دلایلی گوناگون حقوقی محقق نمی‌شود. در این شرایط بحث مرجع مناسب برای جبران خسارت مطرح می‌شود.

۵-۲. نحوه تقسیم مسئولیت

در این مبحث به نحوه تقسیم مسئولیت پرداخته می‌شود که از جمله آن عدم مسئولیت، مسئولیت تضامنی و تساوی مسئولیت است.

۵-۲-۱. عدم مسئولیت

«در دادرسی حقوقی باید هر یک از اصحاب دعوا برای اثبات ادعای خود به دادگاه دلیل محکمه پسند ارائه دهند به صرف ادعا، حرف کسی در محکمه پذیرفته نمی‌شود. البته دادگاه فقط دلیلی را می‌پذیرد که قانون آن را به رسمیت شناخته باشد. اگر افراد در اثبات ادعای خود، دلیل قانونی محکمه پسند نداشته باشند، نوبت به اجرای اصول حقوقی می‌رسد که در دادرسی‌های مدنی به کار گرفته می‌شوند. یکی از مهم‌ترین این اصول حقوقی، عبارت است از اصل برائت (مدنی)» (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۲۱۵).

مقصود از اصل برائت (مدنی) در اصطلاح علم حقوق (خصوصی) عبارت است از اینکه بر طبق قاعده اشخاص نسبت به دیگران متعهد یا مدیون نمی‌باشند؛ مگر اینکه خلاف آن با دلیل محکمه‌پسندی اثبات شود. قانون‌گذار در ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی، به تأسیس و بیان این اصل حقوقی پرداخته است. این ماده بیان می‌کند: «اصل برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر خواهد شد».

از گروه شناگران او را غرق کرده باشند بر شناگران همراهش قرار داد» (حسینی شیرازی، ۱۴۰۷، ۱۶۸).

«به نظر می‌رسد با توجه به قانون اخیر التصویب در سال ۱۳۹۲ که مواد متعددی به پرداخت خسارت از طریق بیت‌المال اختصاص داده بتوان گفت پرداخت از طریق بیت‌المال می‌تواند خسارت را با تسهیل بیشتری جبران نموده؛ ضمن اینکه مسئولیت بیت‌المال برخاسته از هر مبنایی که باشد، با اندیشه عدالت توزیعی و حمایت از حقوق زیان‌دیده و حرمت جسم و جان انسان سازگار و قابل تأیید می‌باشد؛ اما باید گفت راه‌حلی که بیان کرده است در خصوص خسارت‌های بدنی است و چون پرداخت از بیت‌المال خلاف اصل است، این راه‌حل قابل تسری به خسارات مادی نیست که در این صورت باید روش‌های دیگری را دنبال کرد» (کلانتری خلیل آباد و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۱۶).

بر اساس آنچه گفته شد، در مواردی که جبران خسارت از سوی شخص زیان‌زننده امکان‌پذیر نباشد و به هر عنوان نتوان در این راستا خسارت را جبران شده دانست، جبران خسارت توسط بیت‌المال در مصادیق خاصی که از آن سخن رفت، صورت می‌گیرد. بدیهی است که مسئولیت جبران خسارت‌های ناشی از یک فعل زیانبار به عهده شخص زیان‌زننده است، چراکه صدمه‌های وارده ناشی از فعل وی باعث ورود زیان شده و جبران ضرر و زیان ناشی از فعل غیر، یکی از مهم‌ترین ضمانت‌اجراه‌های اصلی فعل ارتكابی تلقی شده است، اما در تمامی موارد جبران خسارت توسط شخص خاطی و زیان‌زننده در تمامی موارد امکان‌پذیر نیست و گاهی نسبت دادن عمل تخلف‌آمیز و مجرمانه و خلاف قانون به شخص

پذیرش مسئولیت تضامنی در حوزه‌های مختلف روابط حقوقی، به‌صورت امری متعارف و اجتناب‌ناپذیر درآمده است (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ۲۱۴-۲۰۴). مسئولیت تضامنی یکی از مهم‌ترین وسایلی است که قانون‌گذاران در نظام‌های حقوقی مختلف جهت تضمین انجام تعهد یا جبران خسارت اندیشیده‌اند، چیزی که تقریباً با کمترین میزان از تشریفات سطح بالایی از امنیت را در روابط مالی ایجاد می‌کند و خواهد کرد.

بر اساس نظریهٔ مسئولیت تضامنی با توجه به اینکه از طرفی حادۀ زیانبار مشترکاً توسط همهٔ آن‌ها انجام گردیده و از طرف دیگر عدم امکان ترجیح یکی بر دیگری، دارای مسئولیت تضامنی هستند. اگرچه این نظریه سهولت بیشتری برای زیان‌دیده جهت جبران خسارت وارده فراهم می‌کند؛ ولی فاقد هرگونه مبنای عقلی و منطقی است.

«برخی از حقوق‌دانان معتقدند مسئولیت افراد در ورود خسارت تضامنی است، با این استدلال که خواندگان متعدد با هم خسارت را ایجاد کرده‌اند و نمی‌توان چنین مسئولیتی را تجزیه نمود و در تأیید نظریه خود به مواد قانونی از جمله؛ مواد ۳۱۶ و ۳۲۷ قانون مدنی که در خصوص مسئولیت تضامنی غاصب است و مادهٔ ۱۴ قانون مسئولیت مدنی که بیان می‌کند هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی را وارد سازند، متضامناً مسئول جبران خسارت می‌باشند و استفاده از وحدت ملاک این ماده و سرایت به موارد مشابه، استناد کرده‌اند» (امیرقائم‌مقامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۳۰۶). «بنابراین نوعی همبستگی و ارتباط بین ضامنان به وجود می‌آید که آثار حقوقی دارد که همان مسئولیت تضامنی است. می‌توان گفت یکی از فواید مهم قائل

«این ماده بیان می‌کند که هر گاه کسی مدعی باشد که دیگری به وی مدیون است یا برگردن دیگری حقی دارد، باید ادعای خود را ثابت کند. در غیر این صورت اصل بر آن است که حق یا دینی بر گردن دیگری ندارد. به‌عبارت دیگر، هر گاه در وجود حق یا دینی شک کنیم به این معناست که در لزوم ادای آن حق یا دین شک داریم، و این همان شک در تکلیف است که در چنین مواردی اصل عملی برائت جاری می‌شود» (صفایی، ۱۳۵۱، ج ۲، ۵۴۳؛ عاملی، ۱۳۸۸، ۷۸).

در بحث مسئولیت مدنی سبب مجمل، اینکه آیا در صورت اجمال سبب، اساساً مسئولیتی وجود خواهد داشت یا این که اجمال سبب، موجب رفع مسئولیت مدنی می‌شود، مورد بحث و اختلاف نظر است. این دیدگاه نیز وجود دارد؛ در صورتی که چند نفر مرتکب عملی شده و بر اثر تقصیر یکی از آنان زیانی به شخص وارد شود بدون اینکه بتوان واردکنندهٔ زیان را دقیقاً مشخص کرد، به دلیل ناشناخته بودن سبب، هیچ مسئولیتی وجود ندارد و برای اثبات این نظریه به اصل برائت و اصل عدم مسئولیت استناد نموده‌اند و با تسری این اصل به موضوع مسئولیتی برای شخصی قائل نیستند. اما باید گفت به دلیل وجود علم اجمالی و آگاهی به اینکه بین خسارت واردشده و یکی از اسباب موجود، رابطهٔ سببیت وجود دارد و ادله فراوانی که دلالت بر وجود مسئولیت مدنی سبب مجمل داشته و مانع اجرای اصل می‌شوند، تصور عدم وجود مسئولیت در مورد سبب مجمل بسیار دور از عدالت و خلاف اصول حقوقی و دور از ذهن است.

۵-۲-۲. مسئولیت تضامنی

همزمان در دو مکان محال است قرار گرفتن مال واحد به طور همزمان بر دو عهده مختلف هم محال است» (آملی (محقق نائینی)، ۱۴۱۳، ج ۴، ۳۹۴). «برخی نیز این شک و تردید در خصوص مسئولیت تضامنی را به زبان دیگری بیان کرده‌اند از جمله اینکه هر چیزی یک مدل بیشتر نمی‌تواند داشته باشد چگونه معقول است که مسئولیت تهیه بدل آن بر عهده اشخاص متعدد قرار گیرد» (حکیم، ۱۴۰۱، ۲۶۷). «بنابراین فقها با تضامن میانه خوبی ندارند؛ چرا که با مسئولیت شخصی و اینکه هر کس مسئول اعمال خویش است منافات دارد شاید به همین دلیل است که در اصلاحیه‌ی نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ مسئولیت تضامنی پیش‌بینی شده در تبصره ۲ ماده اول قانون مصوب ۱۳۵۱ را که در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم بود حذف کرده است. از سوی دیگر این راه حل بی‌عیب نیست برای اینکه سبب می‌شود جمعی بی‌گناه مسئول قرار گیرند» (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ج ۲، ۴۸۵). «ضمن اینکه از نظریه اداره حقوقی نیز می‌توان اصل نسبی بودن خسارت را برداشت کرد» (شهری، ۱۳۶۸، ج ۱، ۴۰۶). بر اساس آنچه گفته شد، مطابق نظریه تضامنی، فرد علاوه بر اینکه بابت تعهدات و اعمال خود در برابر دیگران مسئولیت دارد و باید پاسخ‌گو باشد، نسبت به اعمال و اقدامات شرکای خود نیز پاسخ‌گو و مسئول شناخته می‌شود.

۵-۲-۳. نظریه تساوی مسئولیت

نظریه تساوی مسئولیت از دیگر نظریات مطرحی بوده که جهت جبران خسارت زیان دیده می‌باشد. بر اساس این نظریه، نمی‌توان در مواردی که سبب مسئول بین عوامل غیر مقصر دیگر پنهان و غیر قابل

شدن به مسئولیت تضامنی آن است که زیان دیده برای جبران خسارت می‌تواند به هر یک از مسئولان که بخواهد یا به برخی از آن‌ها یا به همه آن‌ها رجوع کند؛ بنابراین از بابت امکان جبران خسارت تا حد زیادی آسوده خاطر بوده و با اعسار خوانده مواجه نمی‌شود. ضمن اینکه به عدالت و مصلحت نزدیک‌تر است و در رابطه با نحوه تقسیم مسئولیت بین گروهی که یکی از آنان باعث خسارت شده ممکن است با توجه به شرایط خاص هر پرونده مسئله را بین خودشان حل کنند. چرا که این فرض وجود دارد کسانی که باهم خطری را ایجاد کرده‌اند خودشان بهتر می‌توانند همدیگر را شناسایی و به مسئول اصلی مراجعه کنند؛ هر چند زیان دیده نتواند آن را ثابت کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵).

«به نظر می‌رسد هر چند نتایج این نظریه برای جبران خسارت و جلوگیری از هرج و مرج حقوقی مؤثر است و همان گونه که بیان شد حتی به نفع زیان دیده است، اما با این وجود در مسئله مورد بررسی امکان تمسک به این شیوه در تمامی اقسام آن وجود ندارد و در واقع تضامن تنها درجایی معنا پیدا می‌کند که همه افراد گروه در ارتکاب تقصیر با همدیگر همراه باشند بنابراین در مواردی که برخی از افراد گروه هیچ عمل خطایی انجام نداده‌اند و فقط یکی از آن‌ها مرتکب تقصیر شده است به کار نمی‌رود. علاوه بر این اساساً تضامن در فقه اسلامی خلاف اصل است و مواردی هم که مسئولیت تضامنی در آن‌ها پذیرفته شده است، موارد استثنائی‌اند که مبتنی بر علل خاصی‌اند و با استقرا در موارد خاص نمی‌توان حکم کلی را نتیجه گرفت» (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵، ۳۹۸). «برخی از فقها معتقدند همان گونه که قرار گرفتن یک مال به طور

جبران خسارت را مناسب‌تر می‌دانند» (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۱، ج ۱، ۷۲۶). «هم‌چنین برخی از محاکم در خصوص نحوه توزیع خسارت بر اساس تقسیم مسئولیت به تساوی بین عاملین زیان حکم صادر کرده‌اند» (بازگیر، ۱۳۸۱، ۲۳۱).

با بررسی مواد قانون مجازات اسلامی به‌عنوان معیار تساوی مسئولیت این‌گونه استنباط می‌شود که در خصوص مبانی حقوقی تقسیم مسئولیت در حقوق ایران، نظریه و رویه واحدی وجود ندارد و از مبانی مختلفی پیروی شده است و در قوانین مختلف روش‌های متفاوتی و مختلفی در زمینه تقسیم مسئولیت بین عاملان زیان مطرح شده است و وروش خاص و واحدی در این خصوص وجود ندارد، به‌گونه‌ای که ملاحظه می‌شود در قانون مجازات اسلامی سابق با توجه به ظواهر مواد ۳۶۵، ۳۳۶ و ۲۱۵ و قانون مجازات اسلامی جدید با مواد ۵۲۶ و ۵۳۳ گرایش به تقسیم مسئولیت به‌نحو مساوی دارد و مبنا را صرف استناد قرار داده و گاهی نیز با مفروض دانستن تقصیر باز حکم به تساوی داده است و در قانون مدنی به مواد ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۵ گرایش به طرف تقسیم مسئولیت حسب تقصیر می‌باشد. در قوانین پراکنده دیگر مثل قانون مسئولیت مدنی و یا قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی هم به تقصیر و هم به تقسیم به میزان مداخله اسباب و هم تقسیم به روش تضامنی اشاره شده است.

با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار در مسئله سبب مجمل سه راه‌حل متفاوت ارائه داده است، با این توضیح که از مواد ۴۷۷ و ۴۷۹ این قانون استنباط می‌شود که قانون‌گذار میان دو فرض تفاوت قائل شده است. درحالی‌که

کشف است، مسئولیت تضامنی قرار داد؛ زیرا در حقوق ایران توسل به مسئولیت تضامنی استثنایی و نیازمند تصریح است و در موارد سکوت قانون در مورد نوع مسئولیت باید به‌جای مسئولیت تضامنی، «تقسیم مسئولیت» را معیار قرار داد (عباسلو، ۱۳۹۰، ۱۰۱).

«مطابق برخی از مواد ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی که به مصادیقی از سبب مجمل اشاره دارد به‌نحوی می‌توان تساوی را اثبات کرد. در واقع می‌توان گفت وقتی خسارت نتیجه کار جمعی چند سبب مختلف باشد به‌نحوی که نتوان گفت خسارت از فعل یا ترک فعل کدام عامل زیان نشئت گرفته است، تجزیه خسارت و قرار دادن خسارت و مسئولیت جبران هر جزء آن بر ذمه یکی از اسباب توجیه منطقی است. از جمله مبانی تساوی مسئولیت در اسباب مجمل می‌توان به عدالت توزیعی اشاره نمود. عدالت توزیعی یعنی اینکه از تمام ضررها باید به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی سخن گفته شود. امروزه مسئولیت مدنی الزامی برای تحقق عدالت توزیعی شده است؛ مسئولیت مدنی صرفاً تدارک ضمانت اجرا برای خطای مرتکب علیه زیان‌دیده نیست؛ بلکه مسئولیت مدنی باید به‌دنبال تقسیم ضررهای غیر عمد و اتفاقی و انتقال آن از زیان‌دیده به اشخاص دیگر باشد» (بادینی، ۱۳۸۴، ۵۰۷).

«مسئولیت مشترک و مساوی اسباب متعدد در مورد علم اجمالی در پاره‌ای از فروض و مسئولیت بیت‌المال در فروض دیگر مندرج در قانون می‌تواند انعکاسی از مبنای عدالت توزیعی در حقوق مسئولیت مدنی در زمینه خسارات باشد. گروهی از فقهای امامیه نیز در فرض علم اجمالی به سبب در قتل، تساوی اسباب در

یکی از «فقه‌های معاصر در کتاب قصاص، پس از طرح این مسئله، سؤال می‌کند که آیا باید اسباب مجمل را به دلیل اصل عدم تبرئه کرد یا بر مبنای قاعده عدل و انصاف، دیه را بین آن‌ها توزیع کرد و یا مسئول پرداخت دیه را با قرعه تعیین کرد؟ سپس خود نظر عدل و انصاف را برگزیده و این‌گونه استدلال می‌کند که به دلیل وجود قاعده عدل و انصاف، نه مجالی برای تمسک به قرعه است و نه عمل به اصل عدم، زیرا از یک طرف قرعه را مشهور فقهای امامیه رد کرده‌اند و از طرف دیگر بر اساس الاصل دلیل حیث لا دلیل، در ادامه ضمن رد نظریه پرداخت خسارت دیه از بیت‌المال، آن را مختص موردی می‌داند که امکان پرداخت دیه از هیچ طریق دیگری فراهم نباشد» (حسینی شیرازی، ۱۴۰۷، ج ۷، ۱۶۹).

«در مقابل، مخالفان عدل و انصاف اساساً آن را به مثابه یک قاعده قبول نداشته و آن را محدود به موارد خاص دانسته‌اند که در فقه آمده است. از این رو، تعدادی از آن‌ها تمسک به عدل و انصاف را جایز نمی‌دانند. برای نمونه، مرحوم آیت‌الله خوئی قاعده عدل و انصاف را مطلقاً ثابت ندانسته‌اند» (جعفری یزدان، ۱۳۸۵، ۱۶۰).

در حقوق ایران اصل تقسیم مسئولیت به طور تساوی است؛ مگر اینکه ثابت شود که فعل یا تقصیر یکی از افراد مسئول بیشتر یا کمتر از دیگری مؤثر بوده است. بر اساس ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قسمت اخیر ماده ۵۲ قانون مسئولیت مدنی نحوه مداخله اسباب در میزان مسئولیت مؤثر است. یعنی هرچه مداخله و تأثیر اسباب در ایجاد ضرر بیشتر باشد، میزان مسئولیت نیز بیشتر است.

این‌گونه به نظر می‌رسد به دلیل نبود مسئولیت کیفری، میان این دو فرض عملاً فرقی نباشد.

فرض اول: رفتار عده‌ای سبب ضرر شده است و در عین حال معلوم نیست که ضرر به وجود آمده با فعل کدام یک رابطه سببیت دارد. برای مثال همه افراد گروه شلیک کرده‌اند؛ ولی مشخص نیست گلوله چه کسی اصابت کرده است. در این فرض قانون‌گذار تساوی را بیان می‌کند. مطابق ماده ۴۷۹ «هرگاه کسی در اثر رفتار عده‌ای کشته یا مصدوم شود و جنایت مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه آن‌ها باید دیه نفس یا دیه صدمات را به طور مساوی بپردازند».

«فرض دوم: یک عمل رخ داده است؛ ولی معلوم نیست که آن فعل زیانبار توسط کدام یک از دو یا چند نفر معین انجام گرفته است. برای مثال یک نفر شلیک کرده است؛ ولی مشخص نیست از گلوله چه کسی خورده یا چه کسی زده است» (کلانتری خلیل آباد و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۳۲).

«در فقه نیز برخی از فقهای امامیه (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۱، ج ۱، ۷۲۶) معتقدند که در فرض اسباب مجمل درباره قتل، تساوی جبران خسارت مطرح است و حکم به توزیع دیه در بین اسباب مجمل داده‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ استفتایی بدین شرح که: چنانچه در اثر تیراندازی همزمان چند شخص، فردی کشته شود و نتوان ثابت نمود که تیر کدام یک به مقتول اصابت نموده تکلیف چیست؟ اظهار داشته‌اند: چنانچه ثابت شود که به واسطه یکی از آن‌ها این شخص کشته شده و راهی برای تعیین قاتل نیست، دیه در میان آن‌ها تقسیم می‌شود» (کرمی، ۱۳۷۷، ۹۲).

۶. نتیجه

است با اندیشه حمایت از زیان‌دیده، توزیع ضرر و عدالت توزیعی ضرر تناسب بیشتری دارد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان این مقاله به‌صورت برابر در تهیه آن مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

از جمله مسائلی که در مسئولیت مدنی مطرح می‌شود، مسئولیت مدنی سبب مجمل است که سبب و عامل زیان نامشخص می‌باشد. با توجه به قطع داشتن به ورود ضرر و علم اجمالی درباره عامل ورود آن و وجود رابطه میان عمل یکی از مظنونین با ورود ضرر، تردیدی در لزوم جبران خسارت نیست. در ارتباط با نحوه توزیع مسئولیت مدنی در حالتی که اجتماع چند مباشر به‌صورت مجمل می‌باشند، در قانون مجازات اسلامی سابق نظریه قرعه را پذیرفته بود؛ اما برخی پس از رد نظریه قرعه در مسئله یادشده به دلیل ناعادلانه بودن آن، نظریه مسئولیت تضامنی را پذیرفته‌اند. اگرچه این نظریه سهولت بیشتری برای زیان‌دیده جهت جبران خسارت را فراهم می‌کند؛ ولی علاوه بر اینکه فاقد مبنای عقلی و منطقی است با عدالت و انصاف هم سازگاری ندارد. در امور اجتماعی دست یافتن به عدالت مطلق بسیار دشوار است و باید دید کدام راه حل احتمال اجرای عدالت را بیشتر فراهم می‌کند و مفسده کمتری دارد. از آنجا که مسئولیت تضامنی در حقوق ما خلاف اصل است و امور استثنایی نیاز به نص دارد و نصی در این خصوص وجود ندارد. فلذا نظریه یادشده قابل ایراد است. این در حالی است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نظریه تساوی را پذیرفته است و این از تحولات مثبت قانون مورد اشاره است. تحلیل موضوع و وجود برخی زمینه‌ها در رابطه با سبب مجمل در قانون مجازات اسلامی مواد ۴۷۷ و ۴۷۹ و تسری این مباحث به مسئولیت مدنی سبب مجمل نشان می‌دهد که مسئولیت مشترک و مساوی عاملان دخیل در حادثه‌ای که سبب ورود ضرر در آن مجمل

منابع

فارسی

- صفایی، سیدحسین، حقوق مدنی (تعهدات و قراردادهای)، جلد دوم، چاپ اول، مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱.
- صفائی، سیدحسین، «مسئولیت مدنی در فرض علم اجمالی به سبب (مطالعه تطبیقی)»، فصلنامه پژوهش حقوقی دانشگاه قم، شماره ۲، ۱۳۸۸.
- صفری، محسن، «مسئولیت مدنی سبب مجمل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹، ۱۳۷۹.
- عابدی، محمد، «راهکار قانون مجازات اسلامی در مورد مسئولیت مدنی سبب مجمل و قلمرو اعمال آن در خطای پزشکی»، شیراز، چهارمین همایش طب و قضا، ۱۳۹۲.
- عاملی، سیدحسین، «سخنرانی درباره قانون مسئولیت مدنی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹، ۱۳۸۸.
- عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.
- بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- بازگیر، یدالله، قواعد فقهی و حقوقی در آرای دیوان عالی کشور، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- بهرامی احمدی، حمید، حقوق مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- جعفری یزدیان، جعفر، «معلوم نبودن مرتکب صدمات در منازعه و چگونگی جبران خسارت از زبان دیده آن»، مجله نقد و حقوق، شماره ۲، ۱۳۸۵.
- رضائی راد، عبدالحسین؛ سیاحی، معصومه؛ نشان، خسرو، «بررسی فقهی و حقوقی راهکارهای تعیین ضامن در تداخل عرضی اسباب»، مجله آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
- روانان، علی؛ میرداداشی کاری، سیدمهدی؛ صادقی، محمد؛ دلشاد معارف، ابراهیم، «مسئولیت مدنی سبب مجمل تیم پزشکی در حقوق ایران و انگلستان»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۹۸.
- شهری، غلامرضا، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه (از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱)، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۶۸.

- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
- کاتوزیان، ناصر، «ارزش‌های نو و تحولات مسئولیت مدنی»، نشریه قضاوت، شماره ۴۴، ۱۳۸۵.
- کرمی، محمدباقر، مجموعه استفتائات فقهی و نظریات اداره حقوق راجع به قتل، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۷.
- کریمی، حسین، موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی(ره)، جلد اول، چاپ اول، قم، انتشارات شکوری، ۱۳۶۵.
- کلانتری خلیل آباد، عباس؛ سلیمانی پای‌طاق، سعیده، «مسئولیت مدنی سبب مجمل با رویکردی بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، نشریه پژوهش‌های فقهی، شماره ۲، ۱۳۹۴.
- گرجی، ابوالقاسم، تقریرات درس متون فقه جزایی(ارشد حقوق جزا)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹-۱۳۸۰.
- محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- محمدی، سام؛ جعفری بهزاد کلائی، محسن، نقش تعدد اسباب در تحقق مسئولیت ضمیمه‌ای، مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره چهل و نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
- میر محمدصادقی، حسین، جرائم علیه اشخاص، چاپ یازدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین، کتاب المکاسب، جلد اول و چهارم، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵.
- آملی(محقق نائینی)، شیخ محمدتقی، المکاسب البیع، جلد دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد، الفقه، قم، دارالعلم، ۱۴۰۷.
- حکیم، سید محسن، نهج الفقاهه، قم، انتشارات ۲۲ بهمن، ۱۴۰۱.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسيله، جلد دوم، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۰.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، جامع الاحکام، جلد اول، نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی، ۱۳۸۵.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، تهذیب الاحکام، جلد دهم، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷.
- عاملی(شهید اول)، محمدبن مکی، القواعد و الفوائد، ترجمه سیدمهدی صانعی، جلد اول، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۱۱.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، جلد هفتم و هشتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- مرعشی نجفی، سیدشهاب الدین، قصاص علی الضوء القرآن و السنه، قم، نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۱۵.
- موسوی الخویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، جلد اول، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۲۵.